

ارائه شده توسط

لینگو لرن | Lingo Learn

برترین ارائه دهنده خدمات کمک آموزشی کانون زبان شامل: سوال و
سامری، دیکشنری کانون، آموزش های رایگان و کاربردی و...

 LingoLearn_official

 LingoLearn

{هرگونه کپی برداری بدون ذکر نام صاحب اثر شرعا و قانونا حرام و قابل پیگیری می باشد.}

High2

Unit7

Did He **Get Away with** It?

ایا او قسر در رفت؟

A lot of crimes never get solved. The case of Dan Cooper is one that hasn't been. It was the evening before Thanksgiving, late November 1971. On a short flight between Portland and Seattle, a flight attendant was handed a note by a mysterious middle-aged man dressed in dark suit. The flight attendant thought he was making a romantic advance, so she slipped the note into her pocket.

بسیاری از جرم ها هرگز حل نمیشوند. مورد دان کوپر نمونه ای است که حل نشده. عصر قبل از روز شکرگزاری بود، و او آخر نوامبر 1971. در یک پرواز کوتاه بین پورتلند و سیاتل یک مهماندار هواپیما یک یادداشت توسط مرد میانسال مرموزی که لباس سیاه پوشیده بود دریافت کرد. مهماندار هواپیما فکر کرد او دارد حرکتی عاشقانه میزند برای همین یادداشت را در جیبش گذاشت.

The man leaned closer to her, saying, "Miss, you'd better look at that note. I have a bomb." A bit later he opened his briefcase so that she could see several red cylinders and a lot of wires within. The man, who used the alias "Dan Cooper," was demanding \$200,000, four parachutes, and a plane that would fly him to Mexico.

مرد بطرفش خم شد، گفت "خانم بهتره به یادداشت نگاه کنید. من یه بمب دارم" کمی بعد او کیفش

را باز کرد و زن توانست چند سیلندر قرمز و سیم های بسیاری در آن ببیند. مرد که از اسم مستعار دان کوپر استفاده کرد، 200,000 دلار، چهار چتر نجات و هواپیمایی که او را به مکزیک برده درخواست کرد.

The plane proceeded to Seattle with none of the other passengers even aware that it was being **hijacked**. The other passengers got off the plane, and "Cooper" got what he was demanding. He received the \$200,000, all in twenty-dollar bills that had been photo copied by FBI agents so that they could easily be identified later.

هواپیما به سیاتل حرکت کرد بدون اینکه هیچ کدام از مسافران آگاه باشند که هواپیما ربوده شده است. مسافران دیگر از هواپیما خارج شدند و کوپر به چیزی که میخواست رسید. او 200,000 دلار، همه اسکناس های 20 دلاری که توسط اف بی ای کپی شده بودند تا بعدها به راحتی شناسایی شوند، دریافت کرد.

Then the plane was refueled and took off for Mexico. A few minutes later, Cooper ordered the flight attendant to go the cockpit and stay there. As she was leaving, she noticed him trying to tie something around his waist- Then presumably the bag of money. Then he opened the plane's rear stairway and jumped out of the plane.

سپس هواپیما سوخت گیری کرد و بسمت مکزیکوسیتی به پرواز درآورد. چند دقیقه بعد کوپر به مهماندار دستور داد به کابین برود و آنجا بماند. همینطور که او داشت خارج میشد، متوجه شد که او سعی دارد چیزی را کنار کمرش ببندد- احتمالاً کیف پول. سپس او پله عقب را باز کرد و به بیرون

The **crew** felt pressure bumps which were probably caused by Cooper's jumping off the stairway. When Cooper jumped, into wind and freezing rain, the air temperature was seven degrees below zero. He was wearing no survival gear and only loafers on his feet. Cooper has not been seen or heard from since that night. Who was Cooper? Did he get away with his **escapade**?

خدمه تکان های سختی را حس کردند که احتمالاً بخاطر پرش کوپر از پله ها باعث شده بود. وقتی کوپر در باد و باران یخ زنده پرید، دمای هوا منفی هفت بود. هیچ جلیقه نجاتی نبوشیده بود و تنها کفش هایش درپایش بودند. از آن شب کوپر نه دیده شد و نه خبری از او شد. کوپر چه کسی بود؟ آیا او با فرارش قسر در رفت؟

Or did he get killed in the process of trying to commit the perfect crime? Authorities speculate that Cooper landed near Ariel, a small near the Columbia River north of Portland. Only real clue has been discovered. Eight and half years later in 1980, an eight-year-old who was digging in a sandbank unearthed \$5,800 of Cooper's **loot**. The money was only a few inches below the surface of the earth, but it had been **eroded** so badly that only the picture and the serial numbers on the bills were visible.

یا آیا او در حین انجام جرم بی نقص کشته شد؟ مسئولین فرود کوپرا نزدیک اریل، یک شهر کوچک نزدیک رود کلمبیا شمال پورتلند، در نظر میگیرند. فقط یک سرنخ واقعی کشف شده است. هشت و نیم سال بعد در 1980 یک پسر هشت ساله که در ساحل شنی چاله میکند 5,800 دلار از غارت کوپر را کشف کرد. پول فقط چند اینچ زیر سطح زمین بود اما انقدر ساییده

شده بود بد که تنها عکس و شماره سریال اسکناس ها قابل دیدن بودند.

Rotting rubber bands were found along with the money, indicating that the cash must have been deposited there before the bands fell apart. Since then, the area has been searched thoroughly, but no trace of Cooper has been found. So what really happened? Many investigators believe that Cooper had to have been killed by the combination of weather conditions and the impact of his fall.

نوارهای لاستیکی ساییده همراه پول پیدا شدند، نشان میداد که پول باید قبل از اینکه نوارها پاره شوند گذاشته شده باشد. از آن زمان، آن ناحیه کاملاً جستجو شده است اما هیچ نشانه ای از کوپر پیدا نشده است. پس واقعا چه اتفاقی افتاد؟ بسیاری از بازپرسان باور دارند کوپر باید توسط ترکیب وضعیت هوا و تاثیر پرشش مرده باشد.

If this is true, though, have none of the man's remains ever been discovered? Is more information known about this case than has been released? Have knowledgeable people been prevented from discussing the case? Is Cooper's body lost in some inaccessible part of the wilderness area into which he jumped, or is living a luxurious life under an alias in some unknown location and driving Rolls-Royce?

اگر این واقعیت دارد هرچند چرا هیچ قسمتی از باقی مانده های مرد پیدا نشده؟ آیا اطلاعاتی بیشتر از اطلاعات منتشر شده راجب این مورد (پرونده) شناخته شده است؟ آیا انسان های زیرک از بحث کردن راجب این مورد منع شده اند؟ آیا بدن کوپر در یک جای غیرقابل دسترس بیابانی که او پرید، گم شده است یا آیا او با اسم مستعار در یک موقعیت ناشناخته زندگی لوکسی دارد و رولز

Did he have the \$5,800 buried by an **accomplice** order throw authorities off the track? Or did he bury it himself? Ariel, the small town near where he might have landed, Cooper has become a **legend**. His story has been depicted in books and articles and even a movie.

ایا 5,800 دلار را توسط یک همدست خاک کرده بود تا مسئولین را از مسیر خارج کند یا خودش ان را چال کرد؟ در اریل، شهر کوچکی که او ممکن است فرود آمده باشد، کوپر تبدیل به یک اسطوره شده است. داستانش در کتاب ها و مقالات و حتی فیلم شرح داده شده.

Patrons of a **tavern** in Ariel still celebrate the anniversary of the hijacking every year. The bar's owner, Dona Elliot, says, "He did get away with it... so far." Others don't think so. Jerry Thomas, a retired soldier who has been working independently on the case, thinks Cooper didn't **survive** the fall and that eventually his body will be found. "I know there is something out here," he says, "There has to be." The mystery goes on.

مشتریان میخانه در اریل هنوز هر سال سالگرد هواپیا دزدی را جشن میگیرند. مالک میخانه، دونا الیات میگوید "او قسر در رفت... خیلی دور" بقیه اینگونه فکر نمیکنند. جری توماس، یک سرباز بازنشسته که خودش مستقل روی پرونده کار میکرده است فکر میکند کوپراز سقوط کرد نجات پیدا نکرد و بالاخره بدنش پیدا میشود. "من میدونم یه چیزی اون بیرونه" او میگوید. "باید باشه." معما ادامه دارد

New word: English explanation \ معنی فارسی

Get Away with: escape blame, punishment, or undesirable consequences for (an act that is wrong or mistaken).

Hijack: to detain and rob (a moving vehicle)/ ربودن، هواپیما ربایی کردن

Crew: a group of people working together to perform a joint function/ خدمه،

کارکنان هواپیما و امثال ان

Escapade: a wild adventure or prank, usu. mischievous or mildly wicked/

ماجراجویی، شیطنت، آشوب بازی، فتنه کاری

Loot: goods and valuables taken by pillaging or plundering, usu. under conditions of war or general disorder; spoils/ تاراج، غارت

Erode: to slowly wear away, eat into, or destroy by the action of friction, or as if by friction/ ساییدن، فاسد کردن

Accomplice: a person who helps another commit a crime or wrongful act/ هم

دست، شریک

Legend: a popular story that has been handed down from earlier generations and cannot be verified, or a collection of such stories, esp. as they relate to a specific person or people/ افسانه ، اسطوره

Tavern: a place that sells alcoholic beverages for drinking on its premises; bar/ میخانه

Survive: to continue to live despite serious immediate threat to one's life/ جان به در بردن

New Word	Synonym	Antonym
Crew	gang, outfit, party, shift, staff, team	
Escapade	caper, lark, mischief	
Loot	booty, pillage, spoils	
Erode	abrade, wear away	
Accomplice	accessory, confederate	
Legend	fable, myth	
Tavern	bar	
Survive	exist	